

به نام خدا

نسبت PHI و امواج الیوت

امواج الیوت از ابزارهای متداول برای بیش بینی روندهای میان مدت و بلند مدت سهم می باشد که امروزه در بین تکنیکال کارها طرفداران بسیاری پیدا کرده است. در ادامه سعی خواهیم کرد به بررسی برخی از ابزارهای هندسی که در پیش بینی اهداف زمانی و قیمتی امواج الیوت به کار می رود و مبنای اصلی آنها نیز نسب فیوناچی PHI می باشد بپردازیم:

حتما همه شما با سری معروف فیوناچی آشنایی دارید:

1, 1, 2, 3, 5, 8, 13, 21, 34, 55,

یکی از نکاتی که در مورد سری اعجاب آور فیوناچی وجود دارد این است که نسب اعداد موجود در سری فیوناچی (1/2 و 2/3 و 3/5 و 5/8 و...) به صورت مجانبی به یک عدد همگرا می شوند. این حد مجانبی یک عدد اصم (گنگ) بوده که هیچگاه نمی توان آن را به صورت دقیق بیان کرد (1.61803398875..). ما این نسبت را به صورت رند شده 1.618 نمایش می دهیم. اما همواره به یاد خواهیم داشت که این عدد دارای خطایی نسبت به عدد اصلی می باشد (به دلیل رند کردن).

این نسبت از ابتدای پیدایش نامهای بسیاری را به خود دیده است Luca pacialo در قرن شانزدهم به نحو مبالغه آمیزی این نسبت را یک نسبت الهی نامید گرچه در همان زمان این نسبت تحت نامهای دیگری مانند نسبت طلایی نیز شناخته میشد. کپلر ستارشناس مشهور آلمانی نسبت فیوناچی را به مانند گوهری در علم هندسه میدانند. از دید جبری این نسبت را با حرف یونانی ϕ نمایش می دهند.

$$\phi = 1.618$$

عدد PHI تنها عددی نیست که برای محققان (و هیمنطور معامله گران) حایز اهمیت است بلکه عکس این عدد نیز اهمیت خاصی برخوردار است.

$$PHI/1 = 0.618$$

مجددا توجه شما را به این نکته جلب میکنم که از آنجا که خود PHI یک عدد اصم می باشد معکوس آن نیز یک عدد اصم خواهد بود لذا عدد 0.618 دارای خطای روند شدن (نسبت به مقدار واقعی 1/PHI) می باشد.

پس از معرفی نسبت PHI میتوان می توان سری جدید ریاضی را که به نوعی نشات گرفته از سری فیوناچی می باشد به طبق زیر معرفی کرد:

0.618 و 1.618 و 2.618 و 4.236 و 6.854 و ...

یکی از روشهایی که میخوام در این نوشته با استفاده از نسبت PHI معرفی کنم تعیین اهداف زمانی قیمت هستش. منظور از اهداف زمانی ، زمانی در آینده است که در آن اتفاق خاصی در قیمت سهم رخ خواهد داد. اگر ما قادر باشیم که روزهایی را در آینده که قیمت در آن زمان به هدف خاصی میرسد یا روند قیمت تغییر جهت می دهد پیش بینی کنیم قدم بزرگی در آنالیز منطقی بازار برداشته ایم. منطق این نوع تحلیل نیز به اینصورت است که احتمال تغییر روند قیمت (شروع امواج جدید الیوت) در بازه های زمانی که مقدار آنها برابر با اعداد موجود در سری فیبوناچی با نسبت طلایی (0.618 و 1.618 و 2.618 و 4.236 و 6.854 و ...) است بسیار بالا است.

در شکلی که به پیوست آمده است یک مثال ساده از پیش بینی تغییر روند با استفاده از نسبت PHI آمده است.

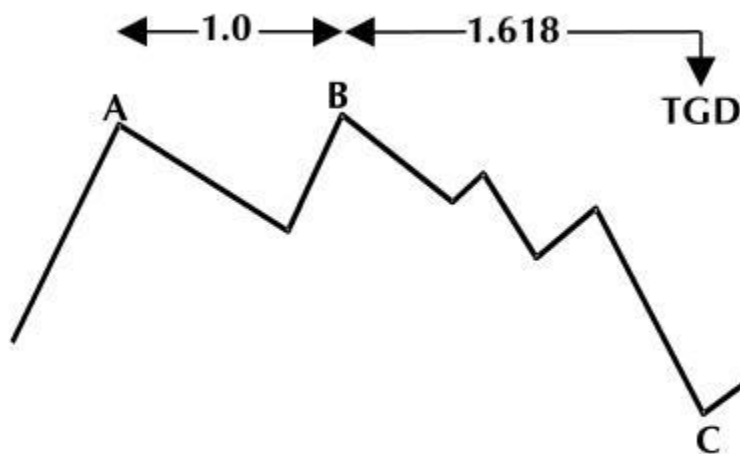


Figure 1.15 Calculation of time-goal days. Source: FAM Research, 2000.

وقتی که ما مقدار فاصله زمانی از پیک A تا پیک B را به روز (یا واحد زمان هر چه باشد) بدانیم آنگاه می توانیم با ضرب این فاصله در نسبت $PHI = 1.618$ یک حدس از زمان وقوع نقطه C داشته باشیم.

C در اینجا هدف زمانی فیبوناچی نامیده می شود. در حقیقت در اینجا از نسبتهای 1 و 2.618 برای یافتن نقطه C استفاده شده است. این زمانی است که در آن بازار انتظار تغییر جهت قیمت را دارد. پیش بینی اهداف زمانی فیبوناچی دقیقاً مشخص نمیکنند که در روز مشخص قیمت در اوج است یا در قعر. قیمت می تواند در دو حالت باشد. مثلاً در شکل فوق ما یک ترکیب High-High-Low داریم که C در نقطه Low قرار گرفته است. اما این ترکیب می تواند به صورت High-High-High نیز باشد که نشان دهنده ایجاد یک روند برگشتی رو به پایین در هدف زمانی مورد نظر می باشد.

برای استفاده از این روش نرم افزار Elwave ابزاری تحت عنوان time ruler دارد که میتوان برای اهداف زمانی از آن استفاده نمود. برای نمونه من نمودار قیمتی هپکو را در شکل قرار داده ام. در شکل فوق نشان دادم که چگونه برای امواج primary یک حالت Low-Low-Low در مقادیر 1 و 1.618 رخ داده است. در همین شکل می توان موارد دیگری از این دست نیز مشاهده نمود.

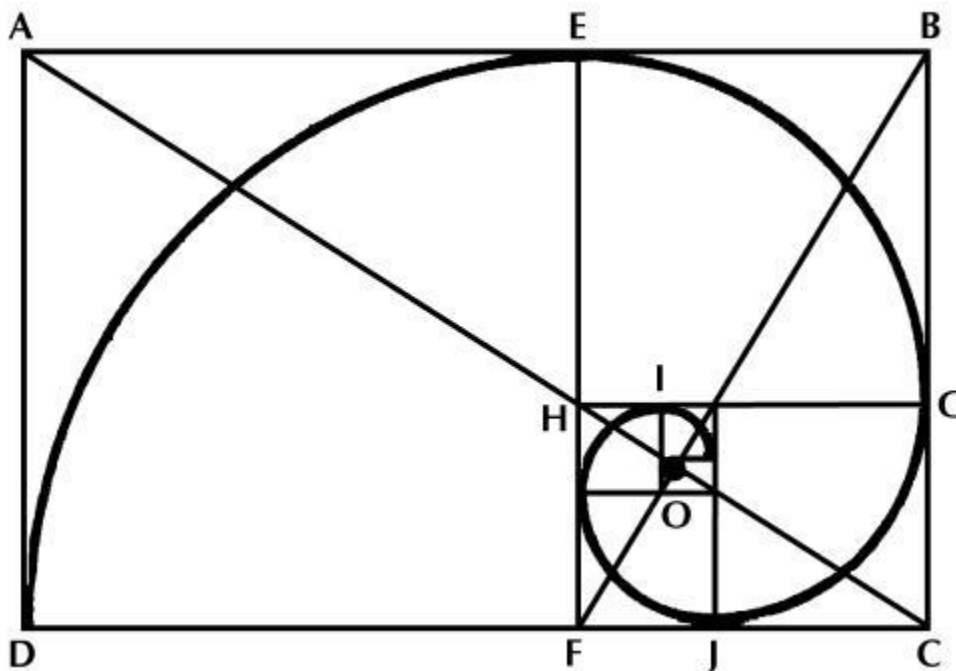
از رسم اهداف زمانی برای قسمت‌های مختلف نمودار و یافتن نقاطی که اهداف زمانی گوناگون بر هم منطبق می شوند می توان به اهداف قابل اعتمادتری دست یافت.



دومین ابزاری که می‌خواهیم شناخت، اسپیرال خوام با استفاده از نسبت PHI معرفی کنیم اشکال حلزونی شکل (spiral) هستند. ما از این به بعد اونها رو تحت همون نام اسپیرال خواهیم شناخت.

نحوه شکل گیری اسپیرال ها:

شکل زیر را در نظر بگیرید.



در شکل مذکور مستطیل ABCD را مستطیل PHI میانمند. دلیل اون هم اینه که در مستطیل نسبت ضلع AB به BC همون نسبت معروف PHI هستش. یعنی: $AB/BC=1.168$

حالا اگه در ضلع AB این مستطیل نقطه E رو طوری انتخاب کنیم که نسبت AE به EB برابر با PHI باشد و از نقطه E بر ضلع AB عمودی رسم کنیم تا ضلع DC رو در نقطه F قطع کنه نتیجه حاصل تشکیل مربع AEFD و یک مستطیل EBCF PHI میشود. اگر این عمل را به صورت متناوب در شکل ایجاد شده تکرار کنیم همینطور به مربع ها و مستطیل های کوچکتری میرسیم که در نهایت تبدیل به نقطه می شوند که ما این نقطه را O نشان دادیم. حال اگر در مربع های تشکیل شده در این ساختار ربع دایره های رسم کنیم که شعاع آن به اندازه ضلع مربع باشه نهایتا شکل ایجاد شده یک اسپیرال خواهد بود.

مرکز این اسپیرال رو که نقطه O هست بعضی وقتها قطب اسپیرال می نامند.

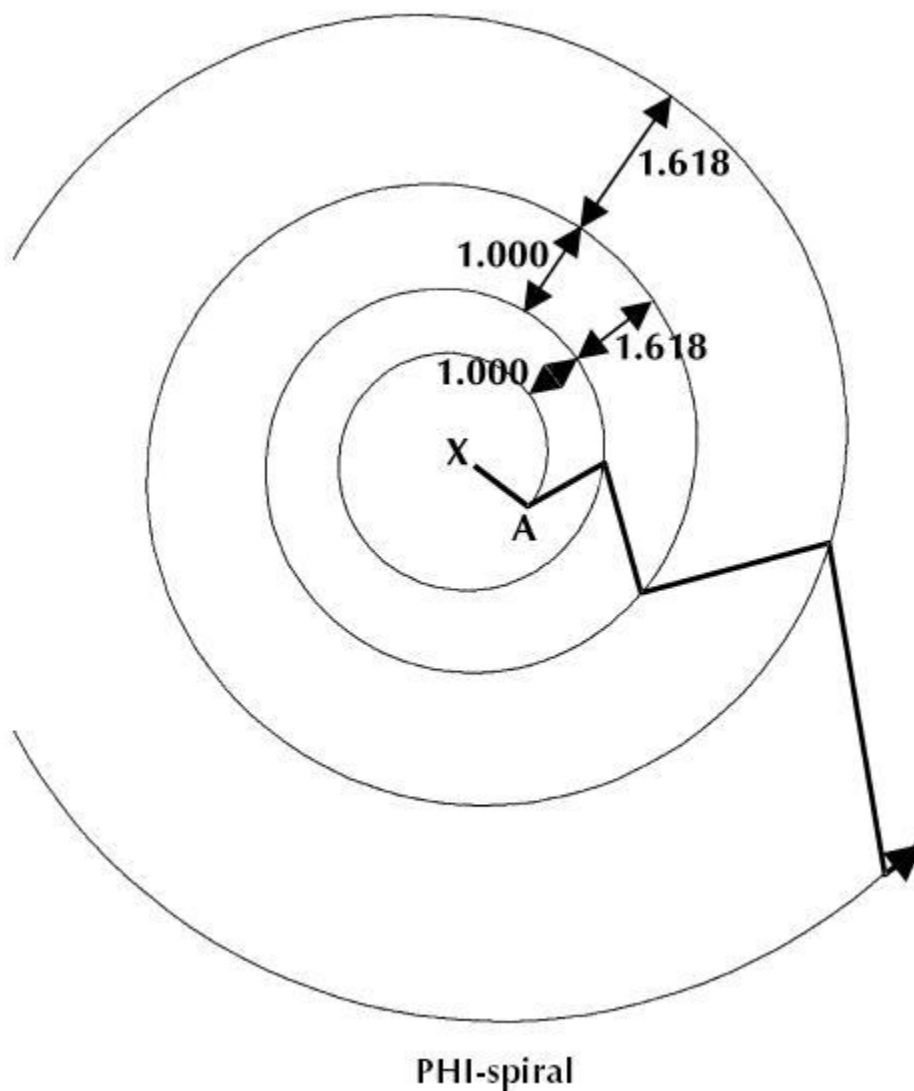
نکته جالب اینجاست که اگر کوچکترین مربع ای که در این شکل تشکیل شده داری طول ضلع d باشد. طول ضلع مربع بعدی نیز d بوده ، ضلع مربع بعدی d2 ، بعدی d3 ... خواهد بود. یعنی همون سری اولیه فیبوناچی:

$$d, 2d, 3d, 5d, 8d, \dots$$

خوب در مورد اسپیرال نکته دیگه ای که وجود داره اینه که اجزای مختلف اسپیرال که در داخل مربع ها قرار دارند از نظر سایز به اندازه PHI گسترش پیدا کردن. البته این گسترش می تونه به اندازه هر کدوم از اعداد سری PHI یعنی 0.618 ، 1 ، 1.618 ، 2.618 و... باشه (در اینصورت نحوه تشکیل مربع و مستطیلها با نسبتها جدید انجام میشه). ما اسپیرال رو با هر نسبتی که ساخته شده باشه تحت عنوان کلی اسپیرال PHI میشناسیم.

کاربرد اسپیرال‌ها در تعیین اهداف قیمتی و زمانی امواج الیوت

برای این منظور لازمه تا نگاهی به نمودار زیر بکنید.



در اسپیرال دو نقطه حایز اهمیت هستند. نقطه X که مرکز اسپیرال هست و نقطه A که به نام نقطه شروع خوانده می شود. برای استفاده از اسپیرال نقطه شروع و مرکز آنرا معمولا بر یکی از امواج 1 یا 2 منطبق می کنند(چه در موجهای صعودی و چه در موجهای نزولی). به طوری که نقطه مرکز بر ابتدای موج قرار گیرد. گردش اسپیرال حول نقطه مرکز می تواند هم درجهت عقربه های ساعت و هم در جهت عکس آن انجام پذیرد. همانطور که قبلا هم اشاره کردیم گسترش اسپیرال می تواند با ضرب هر یک از اعداد موجود در سری PHIs انجام پذیرد اما آنچه که بیشتر کاربرد دارد اسپیرالی است که با ضرب 1.618 گسترش یابد(مانند آنچه که در نمودار شکل دو نشان داده شده است). پس از رسم اسپیرال هر نقطه در آن این قابلیت را دارد که به عنوان هدف زمانی و قیمتی یکی از امواج الیوت به حساب بیاید.

توجه کنید: هدف زمانی و قیمتی. یعنی مزیتی که اسپیرال‌ها دارند این است که توانایی تخمین اهداف زمانی و قیمتی را به صورت همزمان دارند.

برای دست یابی به اهداف معتبرتر می توان اسپیرال‌های مختلفی رسم کرد و سپس از نقاطی که این اسپیرال‌ها با هم برخورد دارند برای تصمیم گیری استفاده نمود.(روح فیوناچی و فراور رو که به یاد دارین!!)

برای درک بیشتر موضوع در سومین نمودار پیوست یک نمونه اسپیرال را برای همان نمودار هیکو در امواج primary رسم کرده ام. به نقاط برخورد امواج پنجم و سوم با اسپیرال دقت کنید.



کانال phi

کانال phi که تحت عنوان کانال فیبوناچی هم شناخته می شوند جزو یکی دیگر از ابزارهای مشتقه از نسبت phi هستند. این کانالها از ترسیم چند خط موازی بین قله ها و کفهای قیمتی تشکیل میشوند.

برای رسم base line باید ابتدای شروع موج اول را به انتهای موج پنجم متصل نمود. خط دیگر را که موازی خط اول است طوری رسم میکنند که از بلندترین قله (در سری امواج نزولی) یا از پایین ترین کف (در سری امواج صعودی) عبور کند. حال در این حالت خطوط موازی بعدی به گونه ای رسم می شوند که عرض آنها (تا خط موازی موجود در سری phi را تشکیل دهند.

خوب حالا این خطوط موازی به چه دردی می خورند؟! از این خطوط برای یافتن میزان تصحیح امواج الیوت استفاده میشود. به این معنی که پس از پایان موج پنجم انتظار بر این است که هدف امواج تصحیحی در نقطه لمس یکی از این خطوط موازی باشد. استفاده از این خطوط موازی در کنار درصدهای تصحیحی می تواند کمک بزرگی در پیش بینی اهداف قیمتی موجهای تصحیحی باشد.

متداولترین درصدهای تصحیحی (فیبوناچی) 38.2 و 50 و 61.8 می باشند.

لذا یک روش مناسب برای یافتن هدف امواج تصحیحی استفاده از تقاطع نسبتهای تصحیحی فیبوناچی با کانال phi می باشد.

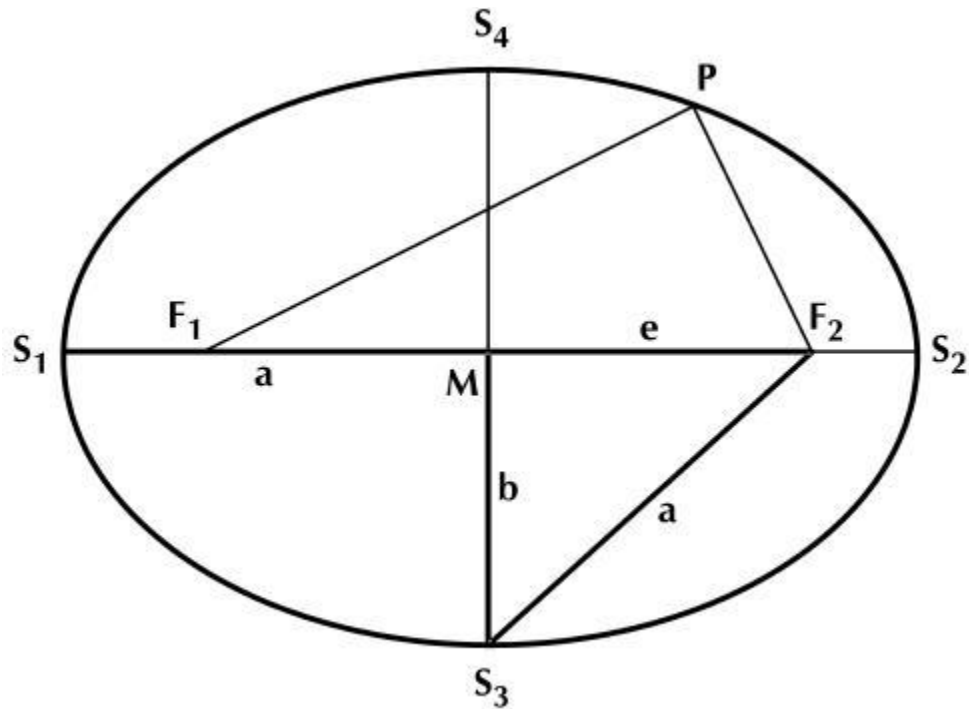
ابزار phi-channel در نرم افزارهای متداول تکنیکی وجود ندارد. یا لاقال من ندیده ام.

یکی از نرم افزار تکنیکال خاص که این ابزار را در اختیار ما قرار میدهد نرم افزار fibotrader می باشد. این نرم افزار توسط شخصی به نام fischer که از بنیان گذاران اصلی ابزار phi بوده است مهیا شده.

خوب آخرین ابزاری که در ارتباط با نسبت PHI می خوام معرفی کنم ellipse ها (بیضی) هستند.

همانطور که می‌دونیم بیضی مکان هندسی نقاطی از صفحه هستند که مجموع فاصله اون‌ها از دو نقطه ثابت یکسان باشه.

به شکل زیر دقت کنید.



مطابق با تعریف بیضی داریم:

$$F_1P + F_2P = S_1S_2 = 2a$$

در این بیضی S_1S_2 , S_3S_4 قطرهای بیضی می باشند. آنچه که در مورد بیضی هایی که ما می خواهیم در تحلیل هایمان از آن استفاده کنیم حایز اهمیت است نسبت اقطار بیضی به یکدیگر می باشد به عبارت ریاضی آنچه که برای ما مهم است نسبت زیر است:

$$S_1S_2 \div S_3S_4 = 2a \div 2b = a \div b$$

ما یک بیضی را تحت عنوان بیضی PHI می شناسیم که در آن نسبت اقطار بیضی به یکدیگر یکی از اعداد موجود در سری PHI یعنی 0.618 و 1 و 1.618 و 2.618 و ... باشد. دایره نوع خاصی از بیضی PHI هست که در آن نسبت اقطار برابر با یک است.

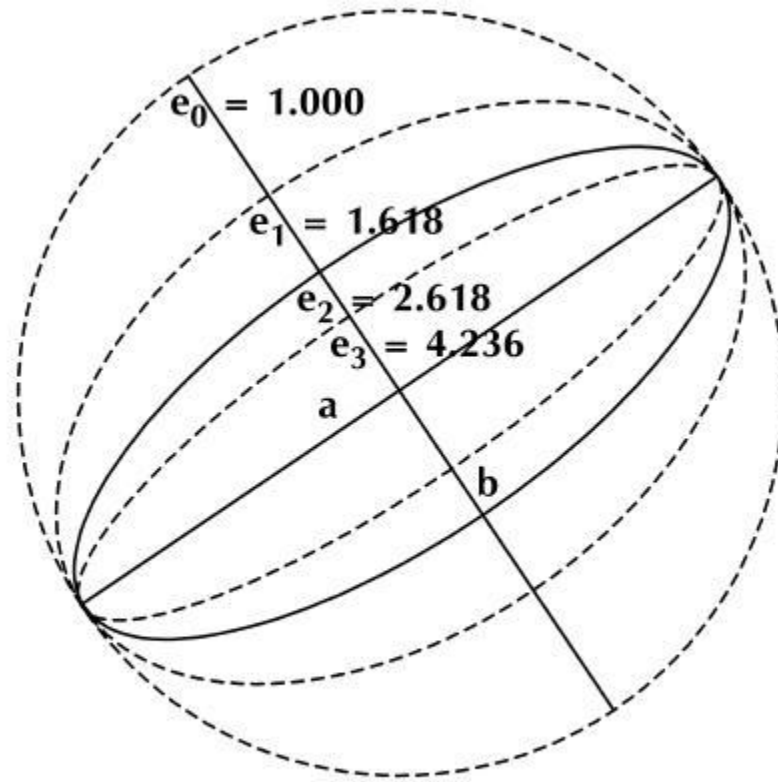
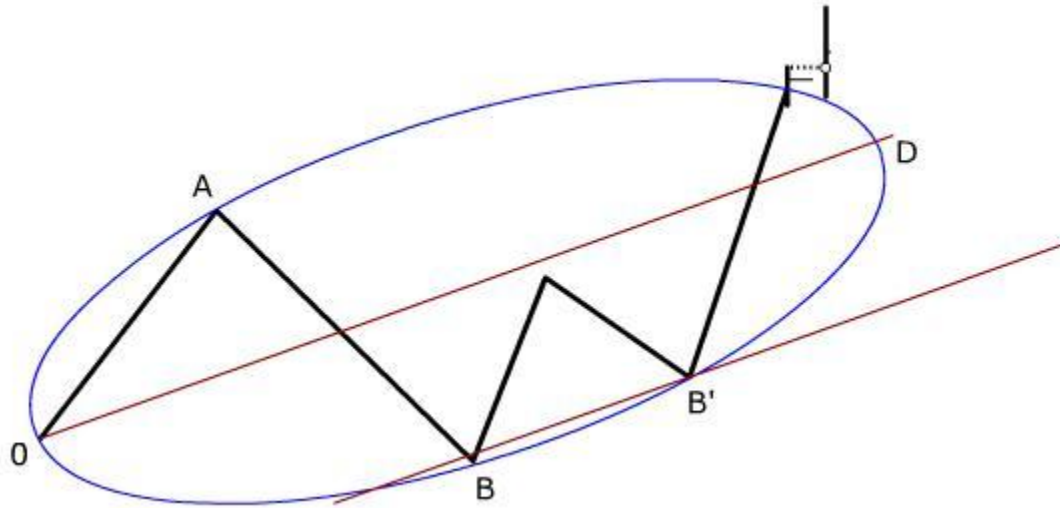


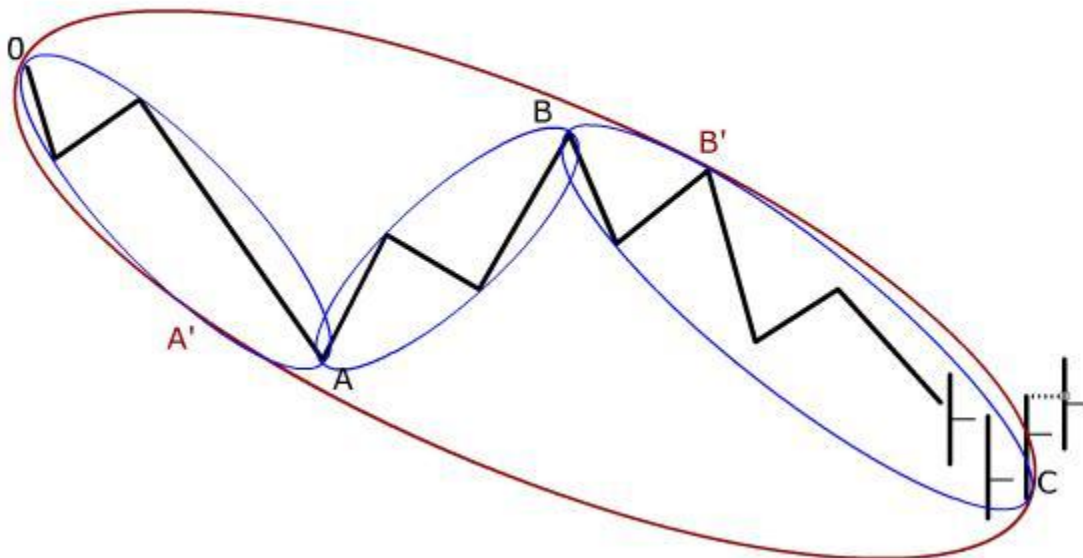
Figure 1.20 PHI-ellipses; $e_x = a \div b$. Source: FAM Research, 2000.

اصولا محدوده بیضی می تواند به عنوانی مرزی برای هدف قیمتی موجهای مختلف به حساب بیاید. به شکل زیر دقت کنید:



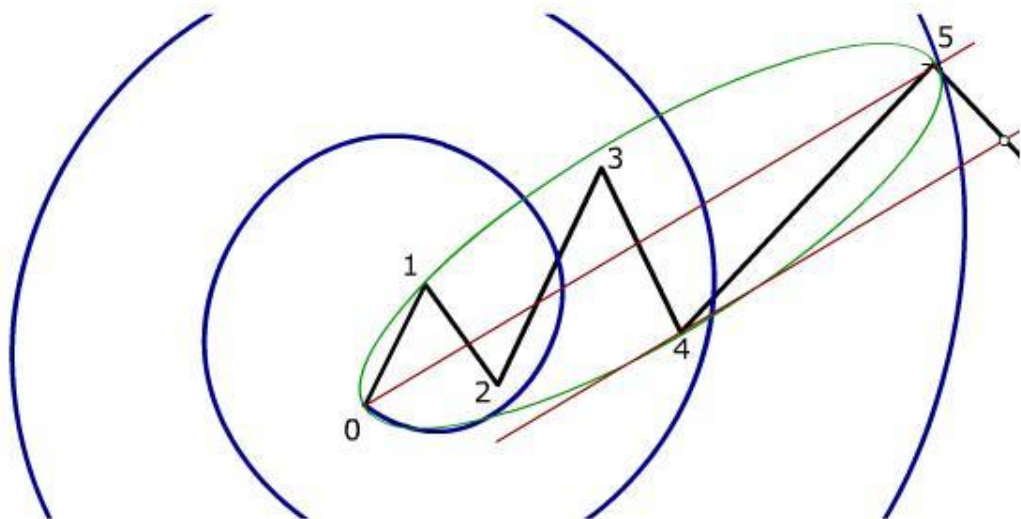
در برخی از موارد می توان از ترکیب چندین بیضی برای پیشبینی قیمت‌ها استفاده کرد. بطوریکه مثلا اهداف قیمتی کوتاه مدت را با استفاده از بیضیهای کوچکتر و اهداف قیمتی بزرگتر را با استفاده از بیضیهای بزرگتر پیش بینی کرد. برای پهن یا باریک کردن بیضی ها می توان از بیضیهای با نسبت‌های مختلف موجود از سری PHI استفاده کرد.

Example 4: Multiple PHI-ellipses for counter trend signals



از ترکیب بیضی‌ها با سایر ابزار PHI می‌توان به نتایج معتبر تری نیز رسید. مثال زیر نمونه‌ای از ترکیب بیضی با اسپیرال را نشان می‌دهد:

Example 6: Finding significant turning points with the PHI-ellipse and the PHI-spiral



نویسنده : آقای پدram آزادی

منبع : <http://www.iranhere.com>